



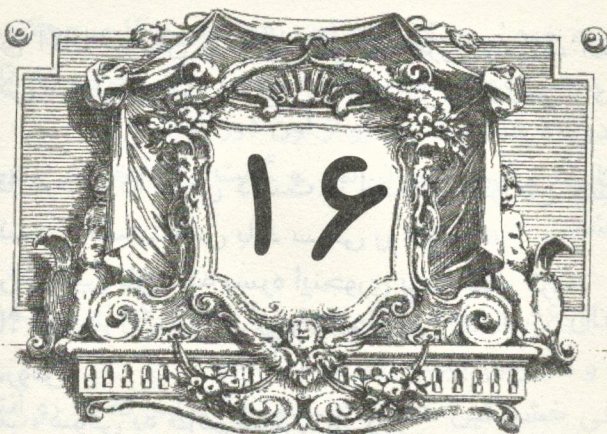
مدرسه افسانه ای

# فراهدان گاه و گاه

سومن چینانی ماندانا نوری

کتاب دوم





## کوپید سرکش می‌شود

آگاتا که سعی داشت زیر رگبار بارانی که از صبح گرفته بود، پناه بگیرد، در صف ناهار هرگزها خودش را به هستر نزدیک کرد.

- سوفی کجاست؟

هستر درحالی‌که گرگی

فرآورده‌ی گوشتی نامشخصی را

در سبدش می‌ریخت، گفت:

«از اتاقش بیرون نمی‌آد.

توی همه‌ی کلاس‌ها هم

غیبت کرده. ظاهراً هم‌تابوت

شدن با هورت آدم رو از

زندگی سیر می‌کنه.»

